



تربیت، رشد دادن اعتماد به نفس
و امیدوار ساختن بچه‌هاست

به دانش‌آموزان ابتدایی چه بیاموزیم؟

يك سؤال و ۸ پاسخ از متخصصان



🔹 **حجت‌الاسلام دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس پیشین سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی:**
منظور از تربیت، دادن اعتماد به نفس و امیدواری است. اما چگونه او را تربیت کنیم که امیدوار باشد؟ یعنی معلمش مدام آیه‌ی یأس سر کلاس نخواند.
ما در برنامه‌ی درسی گفته‌ایم پنج مرحله داریم که باید آن‌ها را تقویت کنیم و ارتقا دهیم: ۱. تفکر؛ ۲. ایمان؛ ۳. علم؛ ۴. عمل؛ ۵. اخلاق.

یعنی ما باید عقلانیت را در دانش‌آموزان ارتقا بدهیم و مبتنی بر عقلانیت، ایمان بسازیم. اگر ذهن قانع شود و دل آرام بگیرد، علم دور آن شکل می‌گیرد. یعنی می‌تواند مجهولات را کشف کند. اما علم باید به عمل منجر شود؛ یعنی در سلوک فردی، اجتماعی، نظام معیشتی، نظام هنری و عبادی او اثر بگذارد.

🔸 **کلاس ابتدایی را از حالت کلاس خارج و به فضایی آموزشی- تربیتی تبدیل کنیم؛ همان‌طور که در سند تحول آمده است؛**

🔸 **رسانه‌های آموزشی دوره‌ی ابتدایی را متنوع کنیم؛**

🔸 **روش‌های یادگیری را بر خلیات بچه‌ها بنا کنیم؛**

در دوره‌ی ابتدایی ضرورت دارد مربیان و معلمان حتماً با والدین دانش‌آموزان جلسه‌ی مشترک داشته باشند و درباره‌ی چگونگی تربیت و مشکلات تربیتی و رفع آن‌ها صحبت کنند.

🔸 **نکته‌ی دیگر این است که دوره‌ی ابتدایی به مربی و مشاور نیاز دارد.**

خروجی این کارها دانش‌آموزی است که توانایی تفکر دارد، محیط اطرافش را دوست دارد، خشونت نمی‌ورزد، به اندازه‌ی خودش از حق دفاع می‌کند، برای یادگیری بیشتر نشاط و علاقه دارد و با بدن سالم و اعتماد به نفس از دوره‌ی ابتدایی خارج می‌شود.

در دوره‌ی ابتدایی به کودکان چه بیاموزیم که به درد ۱۰ یا ۲۰ سال آینده‌ی آن‌ها و جامعه بخورد؟
این سؤالی بود که سال گذشته، با هشت تن از متخصصان و محققان حوزه‌های گوناگون مطرح کردیم و در هر شماره از مجله پاسخ آن‌ها را به‌طور مفصل آوردیم. نظر به استقبال مخاطبان مجله از این کار و به دلیل ضرورت جمع‌بندی دیدگاه‌های این متخصصان در زمینه‌ی آموزش ابتدایی و ارائه‌ی راهنمایی کاربردی و عملی برای معلمان ابتدایی، چکیده و خلاصه‌ای از این پاسخ‌ها تهیه کرده‌ایم که در ادامه آمده است.



پرسشگری دانش آموزان را تقویت کنیم

مهندس عبدالحسین نفیسی، عضو شورای تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش:

فردی که ما در دوره ابتدایی تربیت می‌کنیم، باید ویژگی‌هایی داشته باشد که به آن‌ها اشاره می‌کنم.

اولین نکته این است که زبان فارسی و حساب کردن را در حد نیازهای روزمره بداند. ما اگر فارسی را در زمینه خواندن، نوشتن و بیان کردن به خوبی آموزش ندهیم، دانش‌آموزان در آینده نمی‌توانند مقصود خود را بیان کنند. شرایط اصلی ارتباط با محیط این است که فرد خودش را به محیط بشناساند. فردی که نتواند منویات خود را بیان کند، به صورتی که معاشراش او را خوب بفهمند، مزاحم توسعه است نه مدافع آن.

پس از آن خودآموزی است. یعنی فرد باید خودش معلم خودش باشد و نیازهایش را از طریق خودآموزی برطرف کند. این خصلتی است که با آزادی عمل دادن به دانش‌آموزان برای پرداختن به مباحث مورد علاقه‌شان ایجاد می‌شود. ما باید آزادی عمل و امکانات در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم تا بتوانند چیزهای جدید خلق کنند و به مفهوم جدید برسند و آنچه را ما به آن‌ها آموزش داده‌ایم در ذهن خود ملکه کنند.

خصیصه‌ی بعدی نظم و ترتیب و به دنبال آن برنامه داشتن است. دانش‌آموز باید این ویژگی را قبل از ورود به مدرسه یاد گرفته باشد و در مدرسه کامل شود. فرد باید وقت‌شناس باشد. قدر زمان را بداند، منظم باشد و قوانین مدرسه را رعایت کند. این موضوعات را نه به صورت دستوری، بلکه با به وجود آوردن انگیزه‌ی لازم در دانش‌آموز، از طریق بازی و کار گروهی، باید یاد داد.

مسئولیت‌پذیری و در مقابل آن دفاع از حق خود نکته‌ی بعدی است که باید به آن رسید. این دو به هم مربوط هستند. یعنی وقتی فرد مسئولیتی را می‌پذیرد، باید اختیاراتی هم داشته باشد. این اختیارات ناشی از حقوقی است که به فرد تعلق می‌گیرند.

قدرت تفکر و تأمل و پرسشگری ویژگی دیگر است. بدترین کار در مدرسه این است که قدرت پرسشگری دانش‌آموزان را سرکوب کنیم. در حالی که تا پرسش در ذهن کودک شکل نگیرد، فکر کردن هم تقویت نمی‌شود. این خصیصه، خلاقیت و تفکر خلاق را در فرد پایه‌گذاری می‌کند.

فردی که در دوره ابتدایی تربیت می‌کنیم، باید فردی خودیادگیرنده و مسئول باشد و بتواند با همه ارتباط برقرار کند. خودش را دوست بدارد و به دیده‌ی احترام به همه نگاه کند.

آموزش مهارت‌های پایه و اجتماعی شدن

دکتر فاطمه رمضانی، معاون آموزش ابتدایی دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی، مأموریت‌های دو دوره‌ی ابتدایی را به شرح زیر توصیف می‌کند:

الف: مأموریت عمده‌ی دوره‌ی اول ابتدایی آموزش مهارت‌های پایه است؛ به این شرح:

آموزش مهارت‌هایی برای ورود به دوره‌های بعدی تحصیلی؛
آموزش مهارت‌هایی برای زندگی موفق و شهروند موفق و مؤثر بودن؛

آموزش مهارت‌های پایه‌ی یادگیری مثل مشاهده، طبقه‌بندی، استدلال، استفاده از حواس و به خاطر سپردن و به خاطر آوردن؛
آموزش مهارت‌هایی برای رشد و حضور مؤثر در جامعه و دنیای آینده مثل عزت‌نفس، خویشتن‌داری و خودرهبری.
اگر هدف ما پرورش این ویژگی‌ها در بچه‌های ابتدایی باشد، مواد درسی که امروز اصالت با آن‌هاست، وسیله‌هایی برای تحقق این ویژگی‌ها در بچه‌ها خواهند بود.

تکیه بر بازی‌های دبستانی و نیز طراحی برنامه‌های تلفیقی، از لوازم تدارک فرصت‌ها در این دوره‌اند. در سیاست‌گذاری‌های این دوره، توجه به آزادی عمل کودکان، ایجاد محیط غنی و شاداب برای بروز تفاوت‌های فردی و کسب تجربه‌های دست اول به کمک برنامه‌های منعطف و مشارکت خانواده‌ها ضروری است.

ب: مأموریت اصلی دوره‌ی دوم ابتدایی اجتماعی شدن است.

تدارک فرصت‌های تربیتی برای کمک به یادگیرنده در شناخت توانایی‌ها، محدودیت‌ها و علاقه‌های خود؛

پرورش خلاقیت و قوه‌ی تخیل و تفکر علمی و منطقی؛

درک روابط علت و معلولی؛

توانایی تشخیص و بازشناسی ارزش‌ها (خوب و بد)؛

توجه به تفاوت‌ها و محدودیت‌های دانش‌آموزان در کسب دانش پایه، مفاهیم و مهارت‌های اساسی در حوزه‌های یادگیری در قالب برنامه‌های درسی تلفیقی (که به‌طور هم‌زمان محتوای یادگیری سایر حوزه‌ها را نیز پوشش دهد) برای تعمیق یادگیری؛

تدارک فرصت‌های تربیتی، کسب تجربه‌های

فردی و گروهی در محیط مدرسه و خارج از آن، پذیرش مسئولیت در قبال عملکرد خود و دیگران، پرورش روحیه‌ی نظم‌پذیری، قانون‌گرایی و کار جمعی در جامعه‌پذیری دانش‌آموز همراه با مشارکت خانواده.





دادن، مانع یافتن می‌شود.

را می‌پوشاند. در قرآن کریم آمده است: «قَدْ أفلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا». فرق بین زکها و دسها چیست؟ فرق بین تزکیه و تدسیسه چیست؟ تزکیه کاهش می‌دهد. تدسیسه افزایش می‌دهد. تزکیه کوثر است. تدسیسه تکاثر است: «الْهَکْمُ التَّکَاثُرُ». وای بر فرزندان طلب‌ها. فزون‌گویی و فزون‌آموزشی آن‌ها حجاب کشف آموزش است.

تدسیسه از دسیسه و پنهان کردن می‌آید. یعنی چیزی درون فرد وجود دارد. بنابراین، ما در آموزش و پرورش در حال دسیسه هستیم. یعنی به جای اینکه اجازه بدهیم بچه‌ها آنچه را که در فطرت دارند، بکاوند و بیابند، به‌صورت زودرس، فله‌ای و بیرونی به آن‌ها آموزش می‌دهیم و این دادن، مانع یافتن می‌شود. این موضوع در آموزش همه‌ی درس‌ها، حتی ریاضی، هم صادق است. برای آموزش ریاضی هم باید از روش اکتشافی، نه روش اکتسابی یا انتقالی، استفاده کرد. پس نخستین اصل آموزش حقیقی در دوره‌ی ابتدایی این است که هیچ چیز قابل آموزش نیست و بزرگ‌ترین اتفاق در آموزش ابتدایی این است که نگذاریم هیچ اتفاقی بیفتد. آن وقت مطمئن باشید بزرگ‌ترین اتفاق آموزشی و تربیتی به لحاظ فاعلی و عاملی در دانش‌آموزان رخ می‌دهد.

دکتر عبدالعظیم کریمی، روان‌شناس و عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش:

بزرگ‌ترین اتفاقی که در دوره‌ی ابتدایی باید بیفتد، این است که هیچ اتفاقی نیفتد. اگر ما واقعاً بتوانیم به چنین حکمت بزرگی دست پیدا کنیم که هیچ اتفاقی نیفتد، مطمئن باشید بزرگ‌ترین اتفاق تربیت فطری در تعلیم و تربیت فطری رخ می‌دهد. اگر ما **تقوای تربیتی** داشته باشیم، یعنی سپری ایجاد کنیم که هیچ اتفاقی در مدرسه نیفتد، آن‌گاه اتفاقی درونی و نورانی و شهودی از درون بچه‌ها زایش پیدا می‌کند. **تقوای آموزش و تربیت، یعنی آموزش کاهشی به قصد پرورش افزایشی.** یعنی هر قدر آموزش را کاهش دهیم، پرورش افزایش پیدا می‌کند. چون آموزش دگرساخته و اکتسابی است که روی نیازهای درونی و اکتشافات شخصی افراد

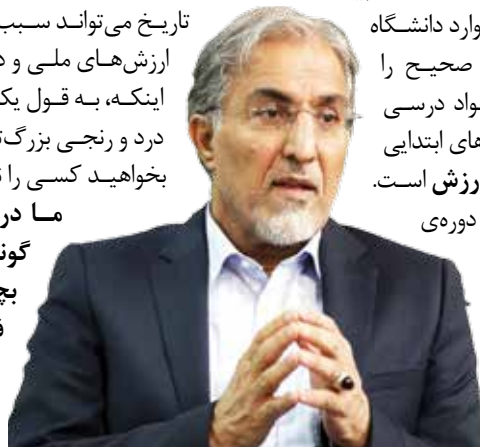
رشد اجتماعی بچه‌ها را جدی بگیریم

دکتر حسین راغفر، اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (س):

ما باید به بچه‌ها یاد دهیم چگونه می‌توان در محیط زندگی با همه‌ی محدودیت‌های موجود بهتر زندگی کرد. در حقیقت، این همان **درس کار و فناوری** است که به شدت جایش در نظام آموزشی کشور ما خالی است. درس دیگری که در نظام آموزشی ما مغفول مانده است، **ادبیات فارسی** است. امروز دانشجویانی که وارد دانشگاه می‌شوند، نمی‌توانند چهار جمله‌ی صحیح را پشت سر هم بنویسند. یکی از مواد درسی دیگری که ضروری است در مدرسه‌های ابتدایی ما مورد توجه جدی قرار گیرد، **درس ورزش** است. اگر زنگ ورزش مطلوب‌ترین زنگ دوره‌ی زندگی دانش‌آموزان نباشد، قطعاً یکی از خواستنی‌ترین زنگ‌هاست. با ورزش می‌توانیم همه‌ی آموزه‌های اخلاقی، ایدئولوژیکی و فکری را به

فرزندانمان بیاموزیم. زندگی جمعی و اجتماعی را می‌توان از طریق ورزش‌های جمعی به بچه‌ها آموخت. می‌توان صبر و مقابله با مشقات زندگی را از طریق ورزش آموزش داد. ما از طریق ورزش می‌توانیم ارزش‌های فتوت، جوانمردی، همکاری و نوع‌دوستی را ترویج کنیم. درس دیگری که در نظام آموزشی دوره‌ی ابتدایی باید به آن به‌صورت جدی پرداخت، **درس هنر** است. هنر تلطیف‌کننده‌ی روح انسان است. نکته‌ی دیگر توجه به **درس تاریخ** است که باید در همه‌ی سطوح آموزشی، متناسب با درک و فهم بچه‌ها، ارائه شود. روایت منصفانه از تاریخ می‌تواند سبب شود افراد نسبت به خاک وطن و ارزش‌های ملی و دینی خود وفادار باشند. نکته‌ی آخر اینکه، به قول یکی از متفکران بزرگ جهان، هیچ درد و رنجی بزرگ‌تر از دیده نشدن آدم‌ها نیست. اگر بخواهید کسی را نابود کنید، او را نادیده بگیرید.

ما در نظام آموزشی‌مان باید به گونه‌ای عمل کنیم که همه‌ی بچه‌ها دیده شوند، نه اینکه فقط عده‌ی معدودی از آن‌ها دیده شوند.



لُگی نه، تربیت!

دکتر نرگس سجادیه، عضو هیئت علمی دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران:

یکی از موضوع‌هایی که امروز در مدرسه‌ها مطرح است، موضوع آزادی و مسئولیت است. وقتی هدف ما تربیت بچه‌هاست، باید خودمان آرام‌آرام کنار برویم و بگذاریم نتیجه‌ی اعمال بچه‌ها به خودشان برگردد.

معلم‌ان دوره‌ی ابتدایی باید کنجکاوی، پرسش‌ها و حقیقت‌جویی بچه‌ها را به رسمیت بشناسند و با طرح کلیشه‌ای مسائل، خیال‌پردازی‌های بچه‌ها را مسدود نکنند. آزادی بدون مسئولیت وجود ندارد. کاری که در برخی از مدرسه‌های جدید ما اتفاق افتاده، این است که به بچه‌ها آزادی داده شده، ولی از آن‌ها مسئولیتی خواسته نشده است. در نتیجه، کودک در دنیایی فانتزی رشد می‌کند و احساس می‌کند می‌تواند هر کاری که بخواهد انجام بدهد و هیچ اتفاقی هم نیفتد.

یکی از کارهایی که باید در مدرسه‌ی ابتدایی انجام بدهیم، تغییر انگاره از «لُگی» به «مربگیری» است. یعنی معلم‌ان باید خودشان را از حد فاصل کودک با محیط واقعی خارج کنند و پنجره‌هایی برای آشنایی بچه‌ها با محیط واقعی زندگی به وجود آورند.

باید بچه‌ها را مسئول نظافت کلاس یا پاک کردن تخته‌ی کلاس یا مراقبت از بچه‌های کوچک‌تر کنیم. موضوع دیگری که می‌تواند در استقلال کودکان تأثیر بگذارد، بحث همکاری بین بچه‌هاست. هر چه امور در دوره‌ی ابتدایی به صورت فردی عمل شوند، چون توانمندی فردی بچه‌ها خیلی کم است، آن‌ها برای انجام کارهایشان به پدر و مادر مراجعه می‌کنند.

در حالی که اگر خودشان با یکدیگر همکاری داشته باشند، ممکن است توانمندی‌هایشان به ظهور برسد. بگذاریم نمره‌ی مستمر تأثیر واقعی خودش را بر نمره‌ی پایانی بگذارد. با این حرکت که آینده‌ی کودک در خطر جدی قرار نمی‌گیرد.



نقش مهم خانواده را در تربیت بچه‌ها جدی بگیریم

آقای محمد دیمه‌ور، معاون سابق آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه فرهنگیان بیرجند:

اگر من جای هر کدام از معلم‌ان ابتدایی بودم، اول سعی می‌کردم خودم را به عنوان معلمی حرفه‌ای (به صورت اعم) آماده کنم و دوره‌هایی را که باید، بگذرانم و آموزش‌ها و مهارت‌هایی را که باید، کسب کنم.

ما معلم‌ان باید همه جانبه‌نگری را در خودمان ایجاد کنیم و به روزآمدی توجه کنیم. این روزآمدی را باید هم در فعالیت‌های تدریس و هم در ارتباط با خانواده و دانش‌آموز داشته باشیم.

محیط یادگیری را به کلاس درس و مدرسه محدود نکنیم. تلاش کنیم محیط‌های اثرگذار دیگری، به خصوص خانواده فراهم کنیم. اگر در دوره‌ی ابتدایی این اتفاق نیفتد، یادگیری ناقص خواهد بود. بخشی از ارزشیابی بازخوردی است که خانواده می‌گیرد. به همین دلیل، باید با خانواده ارتباط مناسب برقرار کنیم. نباید از نقش تربیتی و یادگیری و مربیگری پدران و مادران غفلت کرد.

من اگر معلم بودم، حتماً تلاش می‌کردم یادگیری مادام‌العمری برای خودم و دانش‌آموزانم فراهم کنم. خیلی به دنبال محفوظات نبودم و از روش‌های تدریس فعال استفاده می‌کردم.





کودک با کودکی کردن بزرگ می‌شود

دکتر خسرو باقری، متخصص فلسفه‌ی تعلیم و تربیت
و استاد دانشگاه تهران:

مهم است، چون حامل غرایز و ذهن کودک است. ما باید جسم کودک را در کانون توجه تربیتی قرار دهیم و از جهت سلامت و قوت این آمادگی را برای او ایجاد کنیم. کودک باید از بیماری‌ها دور بماند و در عین حال قوت را هم با ورزش کردن و فعالیت سالم کسب کند.

موضوع بعدی امیال و غرایز است. امیال غریزی در کودک بسیار قوی هستند و کودک نمی‌تواند در مقابل آن‌ها مقاومت کند. به محض اینکه چیزی خواست، باید همان لحظه به آن برسد. این امیال را باید برآورده کرد. اما در زمان ظهور غرایز دو اتفاق بد ممکن است بیفتد: یکی سرکوب و دیگری افراط در ارضای غریزه، سرکوب کردن یا رها گذاشتن غرایز آسیب‌زا هستند. باید امیال به‌طور متعادل برآورده شوند، نه سرکوب بشوند و نه رها.

نکته‌ی دیگر اینکه کودک باید با طبیعت و پدیده‌های طبیعی و موانع طبیعی در برآوردن امیال خود آشنا شود. او باید این دنیای بزرگ را کشف کند تا شناختش غنی شود. شناختی که هم مثبت است و هم منفی؛ هم لذت‌بخش است و هم دردآور. چون در راه این کشف‌ها، موانعی برای او ایجاد می‌شود و با ناکامی‌هایی مواجه می‌شود و می‌فهمد که دنیا فقط جای کام گرفتن نیست و ناکامی هم در آن زیاد است.

یکی از راه‌های پرورش اراده‌ی بچه‌ها، همکاری آن‌ها با دیگران است. همکاری با دیگران و انجام کارهای مشترک، علاوه بر رشد عاطفی و اجتماعی کودک، اراده‌ی او را تقویت می‌کند و در عین حال احساس مسئولیت را پرورش می‌دهد.

با نگاه و رویکرد عاملیت، رفتارهایی که از انسان سر می‌زند، تکلیف او را معلوم و هویتش را ترسیم می‌کند. کسی دیگر نمی‌تواند هویت کسی را معلوم کند. انسان مثل چوب نیست که ما آن را به میز تبدیل کنیم. غایت هر انسانی را خودش تعیین می‌کند. او با عمل‌های خودش هویتش را رقم می‌زند. کس دیگری نمی‌تواند هویت کس دیگری را تعیین کند.

با این نگاه، دوران کودکی، دوره‌ی تکوین عاملیت است و راهبرد تربیتی در این دوران، «تمهید برای عاملیت مطلوب» است. اما چطور می‌توانیم تمهید عاملیت مطلوب را انجام دهیم؟

پرورش بدن سالم و چالاک: یکی از اصول اساسی در دوران تربیت کودکی، به بدن مربوط می‌شود. بدن بسیار

